بررسی کلام علامه مجلسی

سلام و رحمت خداوند متعال بر شما

عبارت مرحوم علامه مجلسی :

قوله ع یصیب الفکر ای لا یصیب منه تعالی التفکر فیه الا ان یومن بانه موجود و ان یجد صفه الایمان و یتصف به لا ان

ترجمه :
یعنی تفکر کردن در خداوند متعال نمی رسد از او (به چیزی) مگر اینکه ایمان بیاورد فرموده امام ع .. " یصیب الفکر .

نمی دانم منظور شما از عبارت علامه مجلسی همین است که در بحار فرمودند یا در جای دیگر؟

ولی همانطور که میبینید در اینجا علامه مجلسی معنای اول و دومی بیان نفرموده اند . بلکه کلا یک بیان است، که جوانب

مرحوم علامه در بحث تجزیه و ترکیب[1] دو بیان را ارائه فرموده اند که ایا جمله دوم را عطف بر جمله اول بگیریم یا اینک

پاسخ:
و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته

بلی منظور من همين عبارت بود و بنده هم در پست شماره 3 همين عبارت را آورده بودم.

اما اينكه اگر عطف در كار نباشد همان معنای اول ميشود نزد من واضح نيست، ملاحظه فرمائيد اين جمله را كه اگر واو را برداريم چگونه معنا كنيم؟ :

"يصيب الفكر منه الإيمان به موجودا وجود الإيمان لا وجود صفة"

كلمه وجود در "وجود الايمان" على ای تقدير منصوب است، چون اگر واو داشته باشيم و عطف بر "الايمان" قبلی باشد منصوب است چون مفعول يصيب است، و اگر عطف نباشد يا بدل است برای موجودا كه تميز است يا حال است، و يا (على احتمال ليس ببعيد) مفعول مطلق نوعی است، و خلاصه بر فرض نبود عطف، توضيح "موجودا" ميشود كه منظور وجود خدای تعالی است نه وجود ايمان به او.

توضیحات بیشتر در مورد وجود وصفی و اشاری

همانطور که در پست قبلی مفصل عرض شد ما در اینجا با دو پدیده مواجه هستیم که به گونه ای یکی نتیجه دیگری است :

1. وجود خداوند متعال.
2. تحقق ایمان به خداوند متعال در قلب انسان.

در محدوده اول تفکر به خدا وجود نمی[2] دهد بلکه جنبه کاشفیت دارد و تنها می فهمد که او موجود است. و البته موجود بود

بلى بايد پست قبلى شما بررسى شود تا به مقصود همديگر نزديك شويم، مهمترين بخش آن اين قسمت بود:

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible][3]

منظور من از وجود وصفى و اشارى، دو نوع از وجود واقعى است، و لذا هيچكدام وابسته به شخص درك كننده و ذهن بشر نيست، اگر وجود خدا، وجود اشارى به معناى وجود قائم به ذهن اشاره كننده باشد، اين به طور واضح انكار وجود خداى متعال است (نعوذ بالله تعالى).

مقصود من از وجود وصفي، سنخى از واقعيات نفس الامريه است كه در مقابل سنخ ديگرى از واقعيات نفس الامريه قرار ميگيرد، و لذا به عدمها اطلاق وجود وصفى نميشود، چون وجود وصفى مقابل عدم است، اما همانطور كه در پست دوم توضيح دادم خود عدم به هر حال واقعيت دارد، تفاوت قضيه سالبه كاذبه با صادقه، قابل انكار نيست، و لذا همانطور كه عرض كردم اگر واقعا زيد وجود ندارد پس عدم او حق است و واقعيت دارد، و زياد ديدهام كه تعبير ميكنند پس عدم او وجود دارد، اين وجود داشتن عدم او، نه به معناى وجود خارجى است كه تناقض شود، و نه به معناى وجود ذهنى است كه وابسته به بشر باشد بلكه به معناى درك و كشف يك امر واقعى است كه نبود زيد است.

البته بحث نفس الامر، بحث جذاب و در عين حال سنگينى است، آيا ظرف نفس الامر تابع وجود است (همانگونه كه مثل صاحب المميزان در كتب حكمت خود اختيار كردند) يا اوسع از وجود است؟ يا طور ديگرى است؟ به گمان بنده، وعاء نفس الامر، اوسع از وعاء وجود است، يعنى وجود خارجى بخشى از نفس الامر است، و تمام نفس الامر به منزله سفرهاى است كه مبدء متعال آن را گستردهاست، و اين سخن بعض لوازمى دارد كه با بعض قواعد مشهور، همخوانى ندارد، مثلا نميتوانيم بگوئيم: ما جعل الله المشمشة مشمشة بل أوجدها، بلكه بايد بگوئيم: جعل الله المشمشة مشمشة فى مقام ثم أوجدها فى مقام آخر، يعنى تقرر ماهوى و تجوهر ذاتى اشياء هم، چون بهرهاى از واقعيت دارد مسبوق به ذات مبدء مطلق است.

مقصود من از وجود اشارى، آن سنخ از واقعيات نفس الامريه است كه مقابل عدم وصفى قرار نميگيرد، هر آنچه واقعيت نفس الامرى دارد اما به نحوى نميتواند مقابل عدم وصفى قرار گيرد به آن نميتوان گفت موجود است به معناى وجود مقابل عدم، اما به لحاظ اينكه واقعيت دارد ميتوان گفت وجود دارد به وجود اشارى كه اگر توفيق بود بيشتر توضيح خواهم داد.

پس اگر ميگوئيم وجود خداى متعال، وجود اشارى است، منظور اين است كه چون همه متقابلات را او متقابل كرده است، بلكه اساس حقيقت تقابل به اوست، پس او مقابل ندارد، و در نتيجه هر مفهومى كه كيان آن به تقابل وابسته است، در ذات او راه ندارد، اما در عين حال ذات مقدس او مبدء تمام واقعيات است، و در هر واقعيتى جلوهگر است، و لذا لا محاله ذهن براى او واژه وجود را به كار ميبرد، چون چگونه كسى كه همه واقعيات را او واقعيت كرده موجود نباشد؟! اما ترفند بسيار ظريف ذهن در اينجا همان است كه بنده تعبير ميكنم به "اشاره" ، يعنى ذهن نگاه ميكند و

میبیند معنای مقابلی وجود در اینجا راه ندارد چون او فوق تقابل است، اما چارهای از کاربرد یکی از متقابلین هم ندارد، لذا به طرفین مقابله نگاه میکند تا ببیند کدام مناسب او است که مقابل ندارد، میبیند واژه عدم، مناسب مبدء تمام حقائق نیست، چگونه بگویم او نیست؟!! اما طرف دیگر یعنی واژه وجود، کمال تناسب را با آن دارد، و لذا بدون اینکه معنای مفهومی وجود را برای خدا توصیف کند، بوسیله این طرف از تقابل، به تناسب مذکور، به مبدء متعال اشاره میکند و میگوید او وجود دارد، اما نه وجود بدل عدم، بلکه وجود سابق بر حقیقت عدم، چون او مبدء تمام حقائق است، لذا عرض کردم در روایت آمده: سبق الاوقات کونه و العدم وجوده، ملاحظه فرمائید در همین روایت حضرت سید الشهداء علیه السلام که تمام آنرا آوردم آمده بود: «**و يفقد الموجود**»، و یا در دعاء رجبیة آمده:

> **«موجد كل موجود و فاقد كل مفقود[4]»**

یعنی واقعیت همه عدمها را هم به او میداند اما طبق بعض قواعد فلسفه، باید توجیه کنیم و بگوئیم یعنی منظور عدم افاضه وجود است، چون عدم نیاز به علت ندارد.

از اطاله کلام عذر خواهی میکنم.

بررسی دلالت روایت بر این مطالب

[illegible].

[illegible].

[illegible] .[5] [illegible]

با عرض سلام و تحیت محضر شما

بلی همینطور است که میفرمائید، و من هم در پست اول عرض کردم:

"بنده ادعا نمیکنم حدیث را درست فهمیدهام، اما عرض میکنم اصل خود تنویع وجود در این حدیث، امر بدیعی است که بررسی دقیق آن میتواند بسیاری از نقاط آسیبپذیر براهین را ، روشن کند."

اما اینکه اصل این حرف درست است یا نیست، به گمان من اگر این بحث درست باشد و مورد تایید محققین قرار بگیرد، ثمرات و لوازم عدیده دارد که از اهمیت بسیاری برخوردار است، و لذا شاید ارزش بررسی را داشته باشد.

و اما اینکه این روایت چه میگوید پس با عنایت به اینکه الحمد لله متاخرین شبهه امتناع استعمال لفظ در اکثر از معنا را جواب دادهاند و نیز خود معصومین (ع) فرمودند:

> **٣- حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رضی الله عنه قال حدثنا الحسين بن محمد بن عامر عن عمه عبد الله بن عامر عن محمد بن أبی عمير عن إبراهيم الكرخی عن أبی عبد الله ع أنه قال حديث تدريه خير من ألف**

> **حديث ترويه و لا يكون الرجل منكم فقيها حتى يعرف معاريض كلامنا و إن الكلمة من كلامنا لتنصرف على سبعين وجها لنا من جميعها المخرج**[6]

پس اگر فی الجمله اصل استظهار محتمل باشد و دلیل بر خلاف آن نباشد، هر چند وجه دیگری هم محتمل الاستظهار باشد، مانعی ندارد که هر دو وجه، مراد امام (ع) باشد.

تفصیل بین معانی وجود در روایت

[illegible]

[illegible] [7] [illegible]

اما اصل اینکه روایت در صدد یک تفصیل است قابل انکار نیست، چون مقابله انداختن بین دو مفهوم که "این و نه آن" خود دلالت بر یک نحو تفکیک میکند اما چه تفکیکی و چه منظور است پس نیاز به بحث بیشتر دارد، ملاحظه فرمائید در عبارت قبلی آن (تمام حدیث را در پست 3 آوردم) حضرت میفرمایند:

> **و لا تدركه العلماء بألبابها و لا أهل التفكير بتفكيرهم إلا بالتحقيق إيقانا بالغيب لأنه لا يوصف بشيء من صفات المخلوقين**

اینجا تعبیر "بالتحقیق" آوردند که به نظر بنده جز وجود اشاری چیزی دیگر نیست، و "کلمه ایقانا بالغیب" هم به جای "الایمان" در عبارت مورد بحث ماست، ولذا فورا تعلیل فرمودند: لانه لا یوصف الخ ، و در عبارت مورد بحث ما فورا به دنبال "لا وجود صفة" فرمودند: به توصف الصفات لا بها یوصف.

به طور کلی هر صفت، بار مفهومی دارد که برای قوه مدرکه ظهور نمیکند مگر به مقابله، و در وعائی که سبقت رتبی بر مقابله دارد هیچ صفتی راه ندارد، در صحیفه مبارکه سجادیه آمده:

> **«ضلت فيك الصفات و تفسخت دونك النعوت**[8]**»**

، "تفسخت دونک" خیلی تعبیر راهگشائی است.

در جملهای که از خطبه امام رضا (ع) نقل کردم: "**سبق الاوقات كونه و العدم وجوده**" هر چند ممکن است در ذهن عموم از واژه "سبق" قدم زماني، متبادر شود، اما با دقت بیشتر میبینیم قدم زمانی نمیتواند منظور باشد چون میفرمایند: موطن او سبقت بر همه وقتها گرفته، به تعبیر صاحب قبسات میر داماد، وعاء سرمد سبقت بر وعاء دهر دارد که آن هم سبقت بر زمان دارد، یعنی وعاء دهر "همه اوقات" را در خود دارد و خدای سبحان بر این "همه اوقات" سبقت دارد، در اینجا فورا حضرت

مي‌فرمايند: "و العدم وجوده" يعني وجود او سبحانه بر "العدم" سبقت گرفته همان نحو سبقت رتبي كه بر "همه اوقات" داشت، يعني وجود او سابق بر "العدم" است نه بدل عدم، و لذا وجود او وجود مقابلي ـ خلقي نيست.

---

[1] اشکال یکی از کاربران

[2] ادامه اشکال یکی از کاربران

[3]

[4] الإقبال بالأعمال الحسنة (ط – الحديثة)، ج۳،ص ۲۱۵

[5] اشکال یکی از کاربران

[6] معانيالأخبار ص : ۲

[7] ادامه اشکال یکی از کاربران

[8] الصحيفه السجاديه،ص ۱۴۸،دعای ۳۲

بازبینی #1
ایجاد شده 17 آوریل 2025 11:14:23 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 آوریل 2025 11:16:36 توسط ... .